

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Reports

گزارش ها

فرستنده: جهانگیر
گزارشگر: سمیه جاهد عطائیان

۱۷.۱۱.۰۹

کودکان بازیافتی

[در بهشت موعود اسلام سیاسی]

پسر بچه چشم عسلی آن چنان سیاه و دودی شده که هر کس نداند گمان می‌کند ذغال فروش است، شلوارش که حداقل سه سایز بزرگتر از اندازه اصلی‌اش می‌زند، چند تاب بزرگ از پاچه‌ها خورده و پیراهن بلندش هم تا نزدیکی‌های زانو رسیده.

اصغر تمام روز را به تمام مخازن زباله خیابان شهر سر می‌زند، مخازن خاکستری رنگ زباله برای او حکم همان تخم مرغ‌های شانسی و لپ‌لپ‌های رنگارنگ را دارد که با محتویات کثیفی پر شده است. از دور به چند متری مخازن زباله که نزدیک می‌شود، خدا خدا می‌کند که جنس با ارزش از پلاستیک یا آلومینیوم گیرش بیاید.

جنس هر چه سنگینتر باشد روزی‌اش بیشتر، چه اهمیت دارد که چقدر وزنش زیاد باشد...

به هر پسر بچه‌ای که احساس درونی‌اش می‌گوید هم سن و سالش است، با کنجکاو می‌کند ولی گویی سنگین بر روی شانه‌هایش، اجازه نمی‌دهد که حس کنجکاو و یا حسرتش بیش از اینها تحریک شود.

به هر عابری که از کنارش رد می‌شود در دل می‌گوید: “کودکی‌ام آرزو است.”

او محکوم است، محکوم به کار، آن هم از کثیف‌ترین و خطرناکترین اشکال کار...

به گزارش خبرنگار ایلنا، فریدون درست در محدوده خیابان انقلاب و کوچه پس کوچه‌های پسماندهای با ارزش زباله را از مخازن شهرداری جمع‌آوری می‌کند.

همان محدوده‌ای که شهرداری هر چند وقت یک بار طرح مبارزه با موش و طعمه‌گذاری را در جوی‌های آب اجراء کرده و اغلب جنازه موش‌ها در جوی آب‌ها و مخازن زباله یافت می‌شود.

او دستکش ندارد ماسکی هم به صورت ندارد و در جواب این سؤال که چرا حداقل دستکش دست نمی‌کنی می‌گوید:

“می‌دانید باید چند کیلو پلاستیک و ضایعات بفروشم تا بتوانم یک دستکش ۱۵۰۰ تومانی بخرم؟”

فریدون مدرسه نمی‌رود، تفریحی هم ندارد، صبح را با زباله شروع می‌کند و شب را هم با کوله بار سنگین زباله به

صبح می‌رساند.

کودکان قد کوتاه، دو پا در هوا درون مخازن پر از زباله

مریم پناهی عضو کانون فرهنگی - حمایتی کودکان کار می‌افزاید: این کودکان گروه‌هایی هستند که شب‌ها کار سنگینتری دارند و در ساعتی از روز هم به دنبال زباله هستند، طبق قوانین شهرداری شهروندان باید رأس ساعت ۹ شب زباله‌هایشان را به بیرون از منزل انتقال دهند. به همین دلیل قبل از جمع‌آوری زباله توسط شهرداری و با وجود چرخه ناقص و معیوب تفکیک زباله، اوج ساعت کاری **کودکان بازیافتی** همین ساعات است.

پناهی ادامه می‌دهد: اگر تنها ده دقیقه عرض یک خیابان منتظر بمانید، حدود ۳۰ کودک زباله گرد در وهله‌های گوناگون به این مخازن سر می‌زنند که نه دستکش دارند و نه دهان‌بند بسته و فرم مخصوص پوشیده‌اند؛ اغلب آن‌ها هم قدهای کوتاهی دارند که مجبورند تا کمر داخل مخازن زباله فرو روند به طوری که با عبور از کنار برخی از مخازن شاهد دو پا در هوا هستیم.

به اعتقاد پناهی زباله گردی و جمع‌آوری زباله از مخازن و امرار معاش از راه... فروش آن‌ها کثیف‌ترین و بدترین نوع کار در کودکان است که از میان کار کودک در سر چهارراه‌ها، کارخانه و کارگاه‌ها، خطرناک‌تر است.

منع بدترین اشکال کار برای کودکان یک شوخی بزرگ با کودکان زباله گرد

به گزارش خبرنگار ایلنا، شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ نهاد یا مسئولی مسؤلیت مستقیم حمایت از این کودکان و رسیدگی به مشکلات و خطرات در کمین آن‌ها را نپذیرفته و شغل سخت آن‌ها را به حساب نیآورده است. به طوری که "سید حسن موسوی چلک" مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور در این ارتباط به خبرنگار ایلنا عنوان می‌کند که اگرچه شغل زباله گردی از سخت‌ترین و خطرناک‌ترین انواع کار برای کودکان است اما بهزیستی در برابر آن‌ها وظیفه‌ای ندارد و وزارت کار مسؤل آن‌ها است.

پناهی نیز می‌گوید: از کاندوم تا سوزن و سرنگ و انواع و اقسام کثیف‌ترین اجسام درون مخازن زباله موجود است و اغلب این کودکان در معرض بیماری‌هایی همچون ایدز، هپاتیت، وبا و غیره هستند.

خطر اعتیاد در کمین کودکان زباله گرد

"پناهی" احتمال گرایش این دسته از کودکان را [جرایم متعدد] بالای ۱۰۰ درصد برآورد می‌کند و به ایلنا می‌گوید: کودکان بازیافتی دو روز سختی را تحمل می‌کنند، سه روز دیگر هم تحمل می‌کنند اما روز پنجم از سوی افراد سودجو یا باند‌های کمین کرده مورد سوء استفاده واقع می‌شوند به طوری که **کودک بازیافتی** ترجیح می‌دهد به جای حمل یک کیسه سنگین و چندش‌آور زباله و سود کم، دو متقال هروئین را جابجا کرده و از شر کیسه بدبوی زباله خلاص شود.

به گفته "پناهی" حتی اگر بوی نامطبوع زباله هم کودک را وسوسه نکند به طور حتم مریضی پدر، داد صاحب‌خانه و سایر فشارهای اقتصادی باعث تن دادن به هزار خطر دیگر می‌شود.

قاسمزاده عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران نیز درگفت و گو با ایلنا تأکید می‌کند:

اکثر زباله‌گردها حاصل خانواده‌های معتاد بوده که متأسفانه خود آن‌ها هم در دام اعتیاد گرفتار می‌شوند.

او ادامه می‌دهد: بر حسب مقوله نامه سازمان جهانی کار در مورد منع بدترین اشکال کار برای کودکان که به امضای ایران نیز رسیده، باید کودکان را از زباله گردی که از مشاغل پرخطر و آسیب‌زا برای کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود، منع کرد اما تعداد این کودکان در خیابان‌ها و لابلای زباله‌های معلوم بسیار زیاد شده است. و هیچ مرجعی برای رسیدگی به کودکان زباله گرد تهرانی وجود ندارد و این دسته از کودکان میان وزارت کار، بهزیستی، شهرداری و وزارت بهداشت **پاسکاری** می‌شوند.

او ادامه می‌دهد: بارها برای بررسی این معضل با شهرداری تهران تماس گرفتیم اما شهرداری به راحتی این مسأله را انکار کرده و با اعلام این که این کودکان ارتباطی با شهرداری ندارند موضوع را پشت گوش می‌اندازند اما عکس‌ها و مدارکی موجود است که نشان می‌دهد شهرداری در این زمینه طمع کرده و اغلب کودکان و نوجوانان با برخی از شرکت‌های خصوصی و پیمانکاران شهرداری در این زمینه قرارداد دارند؛ به طوری که آرم‌های چاپ شده بر روی لباس این کودکان به خوبی گویای تخلف پیمانکاران شهرداری در این زمینه است.

کودکان زباله گرد یا به قول انجمن های حمایتی ، **کودکان بازیافتی** ، به بوی نامطبوع زباله عادت کرده اند اما این معضل به معنای آن نیست که مسئولان، حال می خواهد وزارت کار باشد یا وزارت بهداشت ، سازمان بهزیستی یا شهرداری، با پاسکاری آن ها مهر تائیدی بر روی کار دشوار این کودکان بزنند.